

پیشگفتار مترجم

با گذشت زمان و اهمیت یافتن داراییهای دانشی در شرکتها و سازمانها توجه ویژه‌ای به مفهوم‌سازی ابعاد مختلف این نوع از داراییها و روابط اقتصادی مربوط به آن در قالب اقتصاد دانش معطوف گشته، به گونه‌ای که اقتصاد دانش به یکی از حوزه‌های جذاب برای مطالعه از سوی متخصصان رشته‌های مختلف دانشگاهی تبدیل شده است. وجود انتشارات فراوان در این زمینه، شاهدی است بر اهمیت آن در مراکز و محافل دانشگاهی. با این حال، در ایران آثار علمی بسیار کمی در این زمینه منتشر شده است. فقر منابع اطلاعاتی به زبان فارسی موجب شده است که تبیین جوانب مختلف این مفهوم در مراکز دانشگاهی با مشکل روبه‌رو شود.

رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز با توجه به ماهیت و درونمایه مطالعاتی خود، با دانش و مفاهیم مرتبط با آن گره خورده و مطالعات مربوط به دانش در تمام دروس این رشته مطرح است. به طور خاص، در مقطع دکتری درس اقتصاد اطلاعات تدریس می‌شود؛ در بازنگری دروس کارشناسی نیز درس مدیریت دانش به دوره کارشناسی افزوده شده و گرایش مدیریت دانش نیز برای دوره کارشناسی ارشد در دست طراحی و برنامه‌ریزی است. همه اینها نشان می‌دهد که مطالعات مربوط به دانش و به‌ویژه اقتصاد دانش، در سرفصلهای این رشته از جایگاه والایی برخوردار است.

در کنار گرایش محتوایی رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به مطالعات اقتصاد اطلاعات و دانش، تاکنون منبعی به زبان فارسی در این زمینه تألیف یا ترجمه نشده است. تنها کتابی که البته نه در حوزه اقتصاد دانش بلکه در حوزه مدیریت دانش تألیف یافته، کتابی است با عنوان *مدیریت دانش: مفاهیم و زیرساختها* که از

سوی نگارنده این سطور نگاشته شده است. با توجه به نبود منابع مناسب به زبان فارسی، مترجمان در پی یک منبع مناسب، پس از جستجوهای فراوان، کتاب حاضر را تشخیص دادند.

دستنامه اقتصاد دانش می‌تواند راهنمای کسانی باشد که در حوزه داراییهای دانشی، مدیریت دانش، و اقتصاد دانش مطالعه می‌کنند. به‌ویژه این کتاب برای دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، در تمام مقاطع (به‌ویژه مقطع دکتری) سودمند خواهد بود. علاوه بر آن، متخصصان رشته‌های دیگر (مانند رشته‌های مدیریت، اقتصاد، فناوری اطلاعات، و غیره) محتوای کتاب را سودمند خواهند یافت. این کتاب یک منبع کم‌نظیر برای به دست آوردن درک درست از اقتصاد دانش در دنیای کنونی است.

از همکاران گرامی ام آقاییان مصطفی احمدی و سیامک محبوب تقدیر و تشکر، و از آقای دکتر عبدالرضا نوروزی چاکلی مدیر گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت) و سرکار خانم طاهره رضایی دبیر گروه، قدردانی می‌کنم و صمیمانه از همه دست‌اندرکاران و مسئولان آن سازمان که زمینه را برای انتشار این کتاب فراهم آوردند، سپاس‌گزاری می‌کنم.

دکتر محمد حسن زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

hasanzadeh@modares.ac.ir

بهار ۱۳۸۸

مقدمه

انگیزه اصلی برای گردآوری مقالات حاضر در قالب این *دستنامه اقتصاد دانش* ناشی از این است که مشاهده می‌شود در [بخشهای] دولتی و تجاری، بسیاری از افراد آنچه را که برای اقتصاد دانش محور یا سازمان مبتنی بر دانش مورد نیاز است مطرح کرده و به چالش کشیده‌اند؛ اما تعداد کمی مایل بوده‌اند توضیح دهند که دانش چیست و کارکرد اجتماعی، سازمانی، یا اقتصادی آن چگونه است. در حالی که دلایل کافی برای این وضعیت وجود دارد، اما ندانستن دقیق اینکه دانش چیست و عملکرد آن چگونه است، برای افرادی که عهده‌دار مدیریت دانش یا تسهیل در آن هستند، مسئله‌ساز است. سیاست‌گذاران بدون داشتن دانش مفصل اقتصادی نمی‌توانند به تدوین سیاست پولی بپردازند؛ مدیران بدون دریافت درونداد دقیق از کارشناسان خبره سیستم‌های اطلاعاتی، نمی‌توانند یک سیستم اطلاعاتی را پیاده‌سازی کنند؛ به همین شکل، شناخت مناسب از دانش برای مدیریت دانش و سیاست‌های مرتبط با دانش باید ضروری تلقی شود.

هنگامی که کار مدیران و سیاست‌گذاران دانش را ملاحظه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که هرگونه بی‌اطلاعی درباره دانش - جدا از اینکه مفهومی کنایه‌آمیز دارد - به این معناست که چهارچوبهای تحلیلی و ادراکی که با آنها توسعه یافته و به کار گرفته شده‌اند تا راهبردها، سیاستها و رویه‌ها در سطوح خرد و کلان اجتماعی و اقتصادی را هدایت کنند، در معرض خطر بی‌ارزش شدن و بی‌اعتباری قرار دارند. در این صورت، بیشتر تلاشها برای ارتقای دانش، در بهترین حالت نیز کامل نیست و در بدترین حالت اثر معکوس دارد. به همین دلیل این را به سختی می‌توان وضعیت مناسب تلقی کرد.

شایان ذکر است که در حوزه مدیریت دانش یا سیاستهای مرتبط با دانش، درباره برخی مباحث که به نظر می‌رسد از همین منظر، - حتی به لحاظ ظاهری - عمیقاً با دانش در پیوند هستند، بسیار کم گفته شده است. این مباحث عبارت‌اند از: قدرت تصور، بصیرت، خلاقیت، حس کنجکاوی، و خرد. اینها همگی جنبه‌های بسیار نیرومند و ضروری تعقل و تفکر هستند که در کنار هم به خلق دانش کمک می‌کنند. در ضمن، این دستنامه نشان می‌دهد که درک استلزامات دانش، مباحث مهم دیگری همچون ارزشها، قدرت، فرهنگ، ارتباطات، درک خطر، و اخلاقیات را پیش می‌کشد که در سیستمهای دانشی اثربخش، نقش محوری دارند. گرچه این مباحث برای شاهدان نه‌چندان جدی کمتر مشهود است، اما بسی مایه‌نومیدی است که در گفتمان دانش، درباره این موضوعات این قدر اندک سخن گفته شده است. ما قصد نداریم به فقدان موضوعات بالا در گفتمان دانش پردازیم و فقط سخنان این است که این دستنامه نشان می‌دهد که مطرح کردن این مباحث در کانون بحثها و فعالیتهای دانش حائز اهمیت است، و ابزارهای مفهومی و دیگر ابزارهایی را که برای انجام چنین کاری ضروری‌اند فراهم می‌کند.

آنچه مایه دلگرمی است این است که تاکنون تحقیقات بنیادی و کاربردی بسیار سودمندی درباره دانش و موضوعات مربوطه صورت گرفته است، آن هم در مسیرهایی که از دامنه محدود معرفت‌شناسی سنتی فراتر می‌روند. این مطالعه جدید در زمینه دانش، با هدف خاص کمک به مدیران و متخصصان سیاست‌گذاری انجام گرفته است تا با مفهوم دانش، برخورد مناسب‌تری داشته باشند. مطالعه دانش سازمانی، معرفت‌شناسی اجتماعی، و اقتصاد اطلاعات از جمله مباحث کلیدی کمک‌کننده در این مجموعه هستند. مسئله بیشتر دست‌اندرکاران با این حوزه از پژوهش این است که آنها در موقعیتی نیستند که با آن همگام شوند. این وضعیت خصوصاً به این دلیل است که این مطالعه جدید معمولاً در گستره وسیعی از رشته‌های دانشگاهی و حوزه‌های میان‌رشته‌ای منتشر می‌شود که پیگیری آنها بدون استفاده از انواع فناوریهای جستجوگری کتاب‌شناختی موجود در کتابخانه‌های دانشگاهی، دشوار است. دست‌اندرکاران نباید از این بابت، دلخور شوند زیرا حتی پژوهشگران حوزه

سیاست‌گذاری و مدیریت دانش هم به ندرت به برخی از تحقیقات مربوطه، همانند انواع مشابه در مطالعات حوزه آگاهی و خرد توجه می‌کنند.

این دستنامه [آرای] بسیاری از محققان برجسته رشته‌های مختلف مربوط به مطالعات دانش را در یک مجلد مناسب گرد هم آورده است. ما از همکاران خواستیم تا فصلهای مربوط به خودشان را بدون از دست رفتن محتوای فکری، تا حد ممکن، در دسترس و درخور فهم تهیه کنند. ممکن است همه خوانندگان، همه فصلها را به یک میزان درخور فهم نیابند. البته برای خوانندگان جای نگرانی نیست زیرا همه فصلها برای مخاطبان یکسانی نگاشته نشده‌اند؛ بعضی از فصلها سیاست‌گذاران را بیشتر در نظر دارند، بعضی دیگر مدیران تجاری را، و برخی فصلها نیز پژوهشگران حرفه‌ای را هدف قرار داده‌اند. دلیل اصلی ما برای تحقیق این کار این است که مخاطبان مطالعات مربوط به دانش، بسیار گسترده هستند و این امری شگفت نیست؛ چرا که دانش، شالوده‌ای برای تمام جنبه‌ها و سطوح تلاشهای بشری است. دلیل دیگر این بود که افرادی که با دانش سروکار دارند، باید دانش وسیعی در زمینه دانش داشته باشند - حتی اگر فقط در یک جنبه آن تخصص داشته باشند. در تحلیل نهایی، رهبران اقتصاد دانش، مدیریت دانش، و جامعه دانش باید یکدیگر را درک کنند؛ زیرا همه این «جایگاهها»ی به کارگیری تخصص در حوزه دانش، با یکدیگر همپوشانی درخور ملاحظه‌ای دارند.

اشتیاق اخیر به مدیریت دانش و اقتصادهای دانش محور، به فعالیت بیشتر در دولت و در بخش کسب و کار منتهی شده که البته درخور ستایش و توجه است. با این حال، سرعتی که در مواجهه با قضیه دانش اتخاذ شده، گرچه چشمگیر است، اما نگرانیهایی را نیز برانگیخته است. به همین دلیل شایسته است پرسیم که چه میزان از این سرعت را می‌توان شتابی مفرط دانست، شتابی که به کم‌توجهی به مجموعه‌ای از روشها برای دستیابی به اهداف منجر می‌شود، و نه ضروری است، نه مناسب. روند شتابان مواجهه با قضیه دانش ممکن است توضیحی باشد بر اینکه چرا بسیاری از چهارچوبهایی که هم‌اکنون برای مدیریت دانش و سیاستهای مرتبط با دانش به کار گرفته می‌شوند بیشتر شبیه چهارچوبهای صنعتی شده و دیگر چهارچوبهایی هستند

که برای اقتصادهای دانش محور، بازآرایی شده‌اند. چنانچه سرعت، مسئله باشد، معلوم می‌شود که چرا بسیاری از افراد فعال در زمینه مدیریت دانش و پیاده‌سازی سیاستهای مرتبط با آن، از دانش خاص درباره دانش بی‌بهره‌اند. همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، سرعت تغییرات بیشتر از آن چیزی است که برای حرفه‌مندان، همگامی با آن ممکن باشد. با این حال، واقعیت این است که عمل باید همگام با اندیشه باشد و این کتاب می‌تواند به این امر کمک کند.

همگامی با تغییرات و تحولات بسیار مهم است. زیرا همه چیز بر این همگامی استوار است. به نظر می‌رسد که اشتیاق جاری برای دانش، تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی باقی بماند و بنابراین، دلیل کافی برای بهبود بخشیدن به سیاست‌گذاری و مدیریت دانش وجود دارد. این وضعیت خصوصاً به این دلیل است که جدی‌تر گرفتن دانش به معنای آن است که به اقتصاد و جامعه از منظری جدید بنگریم. به این ترتیب، توان دیدن امکانات و فرصتهای جدید برای اقدامات مثبت پدید می‌آید. مثلاً می‌توانیم اهداف جدیدی ارائه دهیم و اهداف قدیمی را در قالبی جدید طرح کنیم. می‌توانیم شیوه‌های جدید و تازه‌ای برای پرداختن به مشکلاتی که قبلاً نادیده گرفته شده‌اند اتخاذ کنیم. امیدواریم تأثیر ناشی از خواندن فصلهای این کتاب، در این جهت باشد که ما باید از ماهیت اجتماعی دانش آگاه شویم و در به‌کارگیری این شیوه‌های جدید هرچه بیشتر انسانی عمل کنیم. در تحلیل نهایی، دانش یک کیفیت عمیقاً انسانی است و برای آنچه ما را قادر می‌سازد تا انسان باشیم و انسانی عمل کنیم، بسیار ضروری است. بنابراین امیدواریم که این کتاب ما را در درک بهتری از اینکه دانش درباره چیست و چگونه می‌تواند به شیوه‌ای بهتر برای اهداف اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته شود، یاری کند.

دیوید رونی، گرگ هرن و آبراهام نینان

بریزن، نوامبر ۲۰۰۴